

بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور

ظاهر سلجوقی^۱، نعیمه سلجوقی^۲

^۱کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجن

^۲کارشناس الهیات پردیس بحرالعلوم شهرکرد

چکیده

این پژوهش مروری به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور می‌پردازد. در این تحقیق، نقش مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک منبع درآمدی پایدار برای دهیاری‌ها، به ویژه در زمینه تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و خدمات عمومی در روستاها، مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در تأمین منابع مالی برای دهیاری‌ها عمل کند و با ایجاد شفافیت و نظارت مالی، موجب بهبود تخصیص منابع و کاهش فساد مالی شود. همچنین، مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به کاهش شکاف درآمدی بین مناطق مختلف کشور کمک کرده و بر عدالت اقتصادی در سطح محلی تأثیرگذار باشد. این پژوهش به اهمیت بهبود فرآیندهای جمع‌آوری مالیات و تخصیص منابع، استفاده از فناوری‌های نوین مالیاتی، و حمایت‌های دولتی برای تقویت توان اجرایی دهیاری‌ها تأکید دارد. در نهایت، پژوهش پیشنهاد می‌کند که برای بهره‌برداری مؤثر از این نوع مالیات، نیاز به توسعه زیرساخت‌های مالیاتی و ارتقای آگاهی مسئولان دهیاری‌ها وجود دارد.

کلمات کلیدی: مالیات بر ارزش افزوده، دهیاری‌ها، نظام درآمدی، پروژه‌های توسعه‌ای، شفافیت مالی، عدالت اقتصادی، سیاست‌های مالیاتی

مقدمه

مالیات بر ارزش افزوده یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالیاتی در نظام‌های اقتصادی است که به منظور تأمین منابع مالی دولت و تسهیل فرآیندهای مالی در کشورها طراحی شده است (کوانوار، ۲۰۲۳). این نوع مالیات، به صورت درصدی از ارزش افزوده کالاها و خدمات در مراحل مختلف تولید و توزیع به حساب می‌آید و یکی از منابع اصلی درآمد برای دولت‌ها محسوب می‌شود. در ایران، این مالیات در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از اصلاحات اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۷ به‌طور گسترده‌تری اجرا شده است (رضایی یزدی، ۱۳۹۴). با توجه به این که دهیاری‌ها به‌عنوان نهادهای محلی در ایران مسئول ارائه خدمات عمومی در روستاها و مناطق دورافتاده هستند، بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی این نهادها اهمیت زیادی دارد (مو و همکاران، ۲۰۲۲). دهیاری‌ها با هدف تأمین خدمات عمومی نظیر بهداشت، آموزش، بهبود زیرساخت‌ها، و سایر خدمات اجتماعی به مردم در روستاها تأسیس شده‌اند (بروکمیر و همکاران، ۲۰۲۴). از آنجا که منابع مالی این نهادها به‌طور عمده از محل درآمدهای دولتی و منابع مالیاتی تأمین می‌شود، تأثیر مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این نهادها نیازمند تحلیل دقیق و بررسی است (مگممال و همکاران، ۲۰۲۳). این مالیات علاوه بر تأمین منابع مالی، می‌تواند بر توزیع و تخصیص منابع در مناطق مختلف نیز تأثیرگذار باشد (قراقیه و همکاران، ۱۳۹۷).

مالیات بر ارزش افزوده به‌طور کلی به عنوان یک ابزار مالیاتی منصفانه شناخته می‌شود زیرا به‌طور غیرمستقیم از تمامی مراحل تولید تا مصرف اعمال می‌شود و تمامی گروه‌های درآمدی از آن بهره‌مند می‌شوند (گله، ۲۰۲۰). اما در سطح دهیاری‌ها، این مالیات می‌تواند با چالش‌هایی روبرو شود که در نهایت بر میزان کارایی و بهره‌وری این نهادها تأثیر بگذارد (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). برای مثال، دهیاری‌ها ممکن است در ارتباط با وصول این نوع مالیات با مشکلاتی نظیر پیچیدگی‌های اجرایی، نبود سامانه‌های مناسب جمع‌آوری و گزارش‌دهی مالیاتی، و مشکلات در تخصیص درآمدهای به‌دست‌آمده مواجه شوند (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸). بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌ها همچنین می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای تحلیل کارایی سیستم مالیاتی در سطح محلی مورد استفاده قرار گیرد. مطالعه‌ی این تأثیرات می‌تواند کمک کند تا سیاست‌گذاران و مسئولان دولتی به‌منظور بهبود فرآیندهای مالیاتی و تخصیص منابع به نهادهای محلی، تدابیر مناسبی اتخاذ کنند (مگممال و همکاران، ۲۰۲۳). این تحلیل‌ها می‌تواند راهکارهایی را برای بهبود وضعیت مالی دهیاری‌ها و ارتقای سطح خدمات‌رسانی به روستائیان ارائه دهد (قراقیه و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از مهم‌ترین موضوعات در بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر درآمد دهیاری‌ها، تحلیل نحوه تخصیص و توزیع منابع مالیاتی است. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخصیص ناعادلانه منابع مالیاتی می‌تواند باعث شود که بعضی از دهیاری‌ها از منابع کمتری برخوردار شده و در نتیجه نتوانند خدمات مناسبی به ساکنین روستاها ارائه دهند (پرمدی و ویجیا، ۲۰۲۲). بنابراین، نیاز به یک سیستم مالیاتی منصفانه و شفاف در سطح دهیاری‌ها احساس می‌شود تا از این طریق عدالت اجتماعی در توزیع خدمات بین روستاهای مختلف حفظ شود (کوانوار، ۲۰۲۳).

بررسی تجربیات سایر کشورها در زمینه تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نهادهای محلی می‌تواند به‌عنوان یک مدل راهنما برای اصلاحات مالیاتی در ایران مورد استفاده قرار گیرد. کشورهایی که به‌طور موفقیت‌آمیز مالیات بر ارزش افزوده را در سطح نهادهای محلی به‌کار گرفته‌اند، می‌توانند نمونه‌های خوبی برای تحلیل و مدل‌سازی در ایران ارائه دهند (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). استفاده از تکنولوژی‌های نوین در زمینه جمع‌آوری مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند موجب تسهیل در فرآیندهای مالیاتی دهیاری‌ها شود. ایجاد سامانه‌های الکترونیکی و شفاف برای نظارت و جمع‌آوری مالیات، به کاهش فساد و افزایش کارایی سیستم مالیاتی کمک خواهد کرد. به‌طور کلی، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌تواند موجب بهبود وضعیت مالی دهیاری‌ها و ارتقای سطح ارائه خدمات عمومی در روستاها شود (مگممال و همکاران، ۲۰۲۳). بررسی اثرات منفی مالیات بر ارزش افزوده بر دهیاری‌ها نیز یکی از موضوعات قابل توجه در این زمینه است (گله، ۲۰۲۰). از جمله مشکلاتی که ممکن است در این زمینه بروز کند، افزایش

بار مالیاتی بر دوش دهیاری‌ها، کاهش انگیزه برای کسب درآمدهای مالیاتی، و بروز نارضایتی در میان مردم است (مو و همکاران، ۲۰۲۲). این مشکلات می‌تواند منجر به کاهش میزان مشارکت روستائیان در پرداخت مالیات و در نهایت کاهش درآمد دهیاری‌ها شود (رضایی یزدی، ۱۳۹۴).

پژوهش حاضر در خصوص بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی دولت، نقش اساسی در تأمین مالی نهادهای محلی ایفا می‌کند. در کشورهایی نظیر ایران که بخش عمده‌ای از منابع مالی دولت از طریق سیستم مالیاتی تأمین می‌شود، این مالیات به‌عنوان ابزاری حیاتی برای تأمین منابع مالی جهت اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی و تقویت ساختارهای زیرساختی به‌شمار می‌رود. هدف این پژوهش بررسی دقیق اثرات این مالیات بر وضعیت درآمدی دهیاری‌ها و شفاف‌سازی نحوه تأثیرگذاری آن بر کارایی این نهادها در ارائه خدمات عمومی به روستائیان است. این تحقیق از این منظر حائز اهمیت است که دهیاری‌ها با محدودیت‌های شدید منابع مالی روبه‌رو هستند و برآورد اثرات مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به سیاست‌گذاران در فرآیند تخصیص منابع مالیاتی کمک شایانی نماید. از آنجا که دهیاری‌ها به‌عنوان نهادهای محلی مسئول ارائه خدمات مختلفی نظیر بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و بهبود زیرساخت‌ها هستند، تأثیرات مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌طور مستقیم بر توانایی آنها در ارائه این خدمات تأثیرگذار باشد. به همین دلیل، بررسی این تأثیرات می‌تواند موجب تصمیم‌گیری‌های بهینه در زمینه تخصیص منابع مالی و بهبود فرآیندهای اجرایی شود. یکی دیگر از ابعاد مهم این پژوهش، شناسایی چالش‌ها و موانع اجرایی در ارتباط با جمع‌آوری و توزیع منابع مالیاتی است. دهیاری‌ها در بسیاری از مناطق با مشکلاتی همچون کمبود زیرساخت‌های مناسب، نیروی انسانی ماهر و سیستم‌های مالیاتی کارآمد مواجه هستند که مانع از استفاده بهینه از درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. تحلیل این موانع و شناسایی نقاط ضعف موجود در فرآیندهای جمع‌آوری مالیات می‌تواند به‌عنوان مبنای ارائه راهکارهایی برای بهبود ساختار اجرایی و تقویت توانایی دهیاری‌ها در استفاده از این منابع مالی مورد استفاده قرار گیرد. این تحقیق همچنین به بررسی اثرات مثبت و منفی مالیات بر ارزش افزوده بر دهیاری‌ها می‌پردازد. شناسایی اثرات منفی نظیر افزایش بار مالیاتی بر دوش دهیاری‌ها و کاهش انگیزه برای کسب درآمدهای مالیاتی می‌تواند به مقامات محلی کمک کند تا اقدامات اصلاحی مناسبی در جهت بهینه‌سازی سیستم مالیاتی و افزایش شفافیت در فرآیندهای مالی اتخاذ کنند. به‌ویژه در شرایطی که سیستم مالیاتی کشور با چالش‌هایی نظیر پیچیدگی‌های اجرایی و فساد مالی مواجه است، بررسی این اثرات و شناسایی مشکلات موجود در سیستم مالیاتی می‌تواند به بهبود عملکرد دهیاری‌ها در تأمین منابع مالی خود منجر شود. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک مدل تحلیلی برای سایر کشورها و مناطق با شرایط مشابه ایران مورد استفاده قرار گیرد. تحلیل تأثیر مالیات بر ارزش افزوده در سطح دهیاری‌ها و شناسایی اثرات آن بر کارایی این نهادها می‌تواند نه تنها در بهبود سیاست‌های مالیاتی و افزایش کارایی سیستم مالیاتی در سطح محلی مؤثر باشد، بلکه به‌عنوان الگویی برای توسعه پایدار در مناطق روستایی و ارتقای کیفیت زندگی روستائیان به کار گرفته شود. بدین‌وسیله، نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های کلان در سطح مقامات دولتی و محلی جهت ارتقای نظام درآمدی دهیاری‌ها و بهبود خدمات عمومی در مناطق روستایی استفاده گردد.

مبانی نظری

مالیات در دنیا

در جهان امروز، مالیات به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سیستم اقتصادی و مالی کشورها شناخته می‌شود. این ابزار مالی به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا منابع مورد نیاز برای تأمین خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای را تأمین کنند (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). بدون وجود یک سیستم مالیاتی کارآمد، دولت‌ها قادر نخواهند بود به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود دست یابند (گله،

۲۰۲۰). مالیات‌ها از جمله مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها هستند که در تأمین هزینه‌های مرتبط با بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، و امنیت عمومی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. مالیات علاوه بر تأمین منابع مالی، ابزاری کلیدی در تنظیم توزیع ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی به شمار می‌آید (مو و همکاران، ۲۰۲۲). دولت‌ها از طریق سیستم‌های مالیاتی تصاعدی می‌توانند بار مالی را به‌طور عادلانه‌تر بین گروه‌های مختلف جامعه تقسیم کنند. این امر به‌ویژه در جوامع با شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی عمیق اهمیت دارد، زیرا می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی کمک کند و سطح رفاه عمومی را افزایش دهد (کوانوار، ۲۰۲۳).

مالیات به‌عنوان ابزار مهمی در راستای اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها عمل می‌کند. دولت‌ها می‌توانند از سیاست‌های مالیاتی برای ترغیب سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاص نظیر صنایع سبز، نوآوری‌های فناوری و توسعه اقتصادی پایدار استفاده کنند. این نوع سیاست‌گذاری‌های مالیاتی علاوه بر تحریک رشد اقتصادی، به تحقق اهداف بلندمدت توسعه پایدار نیز کمک می‌کند (مگممال و همکاران، ۲۰۲۳). سیستم‌های مالیاتی کارآمد همچنین به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهند تا وابستگی خود به منابع غیرپایدار نظیر منابع طبیعی و صادرات مواد خام را کاهش دهند. مالیات به‌عنوان منبع اصلی تأمین مالی، ثبات اقتصادی را فراهم می‌کند و دولت‌ها را از نوسانات بازارهای جهانی و قیمت‌های نفت یا سایر منابع طبیعی محافظت می‌کند. مالیات‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت شفافیت و مسئولیت‌پذیری در نهادهای دولتی نیز عمل می‌کنند (مو و همکاران، ۲۰۲۲). زمانی که سیستم مالیاتی شفاف و مؤثر باشد، دولت‌ها موظف به استفاده بهینه از منابع عمومی خواهند بود و این امر می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و تقویت حاکمیت خوب کمک کند (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). مالیات‌ها نه‌تنها منبعی برای تأمین مالی دولت‌ها هستند بلکه ابزاری ضروری برای توسعه اقتصادی پایدار، عدالت اجتماعی و تقویت حکمرانی شفاف به شمار می‌روند (بروکمیر و همکاران، ۲۰۲۴).

مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین انواع مالیات‌های غیرمستقیم در سیستم‌های مالی کشورهای مختلف است. این نوع مالیات بر اساس ارزش افزوده‌ای که در هر مرحله از فرآیند تولید و توزیع یک کالا یا خدمت ایجاد می‌شود، دریافت می‌گردد. به عبارت دیگر، مالیات بر ارزش افزوده، درصدی از ارزش افزوده‌ای است که تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان در هر مرحله از تولید تا مصرف به کالا یا خدمت اضافه می‌کنند. این مالیات معمولاً به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود و در هر مرحله از تولید و توزیع، توسط تولیدکنندگان و فروشندگان جمع‌آوری و به دولت پرداخت می‌شود (مو و همکاران، ۲۰۲۲). مالیات بر ارزش افزوده به‌طور گسترده در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به‌عنوان یک منبع اصلی درآمدی برای دولت‌ها استفاده می‌شود (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). این نوع مالیات به دلیل سادگی در اجرا و نظارت، محبوبیت زیادی در بین سیاست‌گذاران مالی دارد. برخلاف مالیات‌های مستقیم که معمولاً بر درآمد یا دارایی افراد و شرکت‌ها اعمال می‌شوند، مالیات بر ارزش افزوده به‌طور غیرمستقیم از مصرف کالاها و خدمات اخذ می‌شود و در نتیجه، بسیاری از اقشار مختلف جامعه را شامل می‌شود (رضایی یزدی، ۱۳۹۴).

یکی از ویژگی‌های برجسته مالیات بر ارزش افزوده، سیستم تصاعدی آن است. به این معنا که مالیات بر اساس درصدی از ارزش افزوده هر کالا یا خدمت محاسبه می‌شود، نه بر اساس مبلغ اولیه کالا. به همین دلیل، مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند انعطاف‌پذیری زیادی در ساختار مالیاتی ایجاد کند. این سیستم مالیاتی می‌تواند به‌طور مؤثر درآمد دولت را تأمین کرده و از بروز اجتناب از پرداخت مالیات توسط افراد یا شرکت‌ها جلوگیری کند. از دیگر مزایای مالیات بر ارزش افزوده، شفافیت در فرآیندهای مالی است. زیرا این مالیات در هر مرحله از تولید و توزیع کالاها و خدمات به‌طور جداگانه محاسبه و ثبت می‌شود و به‌این ترتیب،

امکان نظارت دقیق و بررسی‌های مالیاتی به‌راحتی فراهم می‌آید (محمدنوربخش لنگرودی و جوادی نیک گو، ۱۳۸۸). همچنین، این سیستم مالیاتی مانع از تقلب‌های مالیاتی می‌شود، چرا که هر واحد تجاری مجبور است صورتحساب‌های دقیق و شفاف صادر کند که اطلاعات مربوط به مالیات پرداختی و دریافت‌شده را نشان می‌دهد. مالیات بر ارزش افزوده از آنجا که بر مصرف اعمال می‌شود، با توجه به سطح مصرف هر فرد یا شرکت، بر گروه‌های مختلف جامعه تأثیرات متفاوتی دارد (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). در حالی که این نوع مالیات ممکن است بر مصرف‌کنندگان با درآمد پایین بار سنگینی ایجاد کند، اما در بسیاری از کشورها تدابیر مختلفی نظیر معافیت‌های مالیاتی برای کالاهای اساسی یا کاهش نرخ مالیات برای محصولات ضروری اتخاذ می‌شود تا از این اثرات منفی جلوگیری شود. به‌علاوه، برخی از کشورها از سیستم مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های حمایتی در بخش‌های خاص نظیر تولیدات داخلی یا صنایع سبز استفاده می‌کنند (کوانوار، ۲۰۲۳).

در سطح جهانی، مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یکی از پایدارترین و مؤثرترین منابع مالیاتی شناخته می‌شود. این نوع مالیات توانایی تأمین منابع مالی در کشورهای با اقتصادهای مختلف را دارد (اوبل و همکاران، ۲۰۲۴). استفاده از آن در کشورهای مختلف موجب هم‌گرایی در نظام‌های مالیاتی شده و شرایطی فراهم می‌آورد که کشورهای مختلف می‌توانند تجربیات و بهترین شیوه‌های خود را در زمینه اجرای این نوع مالیات به اشتراک بگذارند. مالیات بر ارزش افزوده نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌ها و تأمین هزینه‌های عمومی ایفا می‌کند. در بسیاری از کشورها، درآمد حاصل از این نوع مالیات صرف پروژه‌های زیرساختی، خدمات عمومی، بهبود نظام‌های آموزشی و بهداشتی می‌شود (مو و همکاران، ۲۰۲۲). این درآمدها به دولت‌ها این امکان را می‌دهند تا برای رفاه عمومی برنامه‌ریزی کنند و به توسعه پایدار در جامعه کمک کنند (قراقیه و همکاران، ۱۳۹۷).

با وجود مزایای بسیار، اجرای صحیح مالیات بر ارزش افزوده نیازمند زیرساخت‌های قوی و شفاف است. سیستم‌های مالیاتی باید به‌طور مؤثر قادر به جمع‌آوری، نظارت و گزارش‌دهی باشند تا از بروز فساد مالی جلوگیری شود. بنابراین، کشورهای در حال توسعه که در مراحل اولیه اجرای این نوع مالیات قرار دارند، باید به تأسیس سامانه‌های مالیاتی کارآمد و شفاف توجه ویژه‌ای داشته باشند (ضیایی بیگدلی و کشتاررجبی، ۱۳۹۲). یکی از چالش‌های مالیات بر ارزش افزوده در برخی کشورها، پیچیدگی‌های اجرایی آن است. جمع‌آوری این مالیات در سطوح مختلف زنجیره تأمین و توزیع ممکن است با مشکلاتی همچون تأخیر در پرداخت‌ها یا دشواری در شناسایی مبالغ صحیح روبه‌رو شود. در این راستا، آموزش و ارتقای سطح آگاهی در بین مشاغل و کارمندان دولتی برای اجرایی کردن بهتر این سیستم، ضروری است (مو و همکاران، ۲۰۲۲). مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در توسعه اقتصادی و تأمین مالی دولت‌ها به‌شمار می‌رود. اگرچه این نوع مالیات چالش‌هایی نیز به همراه دارد، اما با بهبود فرآیندهای اجرایی و نظارتی، می‌توان از آن به‌عنوان ابزاری برای تأمین درآمدهای پایدار و کاهش وابستگی به منابع مالی غیرپایدار استفاده کرد. در نتیجه، این سیستم مالیاتی می‌تواند نقش قابل‌توجهی در رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی ایفا کند (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸).

تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور

مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌های غیرمستقیم است که بر مصرف کالاها و خدمات اعمال می‌شود و به عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی دولت‌ها در سطح جهانی شناخته می‌شود (گله، ۲۰۲۰). این نوع مالیات در بسیاری از کشورها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تأمین منابع مالی استفاده می‌شود. از آنجا که دهیاری‌ها مسئول تأمین خدمات عمومی در مناطق روستایی هستند، این مالیات می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر توانایی آن‌ها در ارائه خدمات مختلف به جامعه محلی داشته باشد (مو و همکاران، ۲۰۲۲). مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یک ابزار تأمین مالی، نقش مهمی در فرآیند تأمین منابع مالی دهیاری‌ها ایفا می‌کند. این مالیات، که به‌طور غیرمستقیم از مصرف کالاها و خدمات اخذ می‌شود، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به

افزایش منابع مالی دهیاری‌ها و در نتیجه توانمندی آن‌ها در تأمین پروژه‌های زیرساختی و خدمات عمومی در روستاها کمک کند. از آنجا که این مالیات در هر مرحله از تولید و توزیع جمع‌آوری می‌شود و به‌طور معمول به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود، تأثیرات آن بر درآمدهای دهیاری‌ها به‌طور مستقیم با سطح فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف ارتباط دارد (قراقیه و همکاران، ۱۳۹۷).

مالیات بر ارزش افزوده علاوه بر اینکه به‌عنوان یک منبع پایدار درآمدی برای دولت‌ها شناخته می‌شود، می‌تواند به‌طور مؤثری منابع مالی دهیاری‌ها را تأمین کند. از آنجا که این مالیات با توجه به سطح مصرف در جامعه روستایی اخذ می‌شود، می‌تواند موجب تقویت سیستم‌های مالی محلی شود. این در حالی است که بسیاری از دهیاری‌ها به دلیل محدودیت منابع مالی و ساختارهای مالیاتی ضعیف قادر به استفاده بهینه از منابع مالی موجود نیستند. بنابراین، ایجاد سیستم‌های کارآمد برای جمع‌آوری مالیات بر ارزش افزوده و تخصیص درست آن به پروژه‌های محلی امری ضروری به نظر می‌رسد (بروکمیر و همکاران، ۲۰۲۴). مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای افزایش شفافیت و نظارت بر جریان‌های مالی در دهیاری‌ها عمل کند. از آنجا که این مالیات به‌طور مداوم در هر مرحله از فرآیند تولید و توزیع کالاها و خدمات جمع‌آوری می‌شود، سیستم‌های مالیاتی شفاف و مؤثر می‌توانند مانع از فساد و سوءاستفاده‌های مالی در سطح محلی شوند (محمدنوربخش لنگرودی و جواد نیک گو، ۱۳۸۸). در این راستا، استفاده از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و سیستم‌های مالیاتی پیشرفته می‌تواند به دهیاری‌ها در جمع‌آوری صحیح و تخصیص منابع کمک کند (ضیایی بیگدلی و کشتاررجبی، ۱۳۹۲).

تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر دهیاری‌ها نه تنها از جنبه مالی بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز قابل توجه است. با افزایش درآمدهای مالیاتی حاصل از این نوع مالیات، دهیاری‌ها قادر خواهند بود خدمات عمومی بهتری را به روستائیان ارائه دهند (پرمی و ویجیا، ۲۰۲۲). این امر موجب تقویت اعتماد عمومی به نهادهای محلی و دولت می‌شود و می‌تواند در نهایت به افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت نهادهای دموکراتیک در سطح روستاها منجر شود (بروکمیر و همکاران، ۲۰۲۴). مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مهم در حمایت از توسعه اقتصادی در مناطق روستایی عمل کند. از آنجا که بسیاری از روستاها به فعالیت‌های اقتصادی محلی و کشاورزی وابسته هستند، اجرای مؤثر این مالیات می‌تواند از طریق حمایت از مصرف کالاهای تولیدی محلی، به افزایش رونق اقتصادی در این مناطق کمک کند. در این زمینه، ارائه تسهیلات مالیاتی برای محصولات کشاورزی و کالاهای تولیدی محلی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر نظام درآمدی دهیاری‌ها داشته باشد (محمدنوربخش لنگرودی و جواد نیک گو، ۱۳۸۸). معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی نیز می‌توانند بر درآمدهای دهیاری‌ها تأثیرگذار باشند. در بسیاری از کشورها، دولت‌ها برای کالاهای اساسی که مصرف آن‌ها برای زندگی روزمره ضروری است، معافیت‌های مالیاتی در نظر می‌گیرند (گله، ۲۰۲۰). این معافیت‌ها می‌توانند باعث کاهش درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده شوند و در نتیجه تأثیرات آن بر نظام درآمدی دهیاری‌ها را کاهش دهند (وېل و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل دقیق ساختار معافیت‌های مالیاتی و تأثیر آن‌ها بر دهیاری‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (مگممال و همکاران، ۲۰۲۳). تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌ها به‌عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه پایدار مناطق روستایی قابل توجه است (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸). با بهبود فرآیندهای جمع‌آوری مالیات و تخصیص منابع به‌طور مؤثر، این مالیات می‌تواند منبعی پایدار برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و بهبود زیرساخت‌ها در روستاها باشد (مو و همکاران، ۲۰۲۲). مالیات بر ارزش افزوده نه تنها به‌عنوان یک ابزار مالی، بلکه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در راستای رشد و توسعه روستاها و ارتقای سطح رفاه اجتماعی شناخته می‌شود (ضیایی بیگدلی و کشتاررجبی، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش مروری می‌باشد و به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور پرداخته است. پژوهش مروری یکی از روش‌های اساسی در تحقیقات علمی، به ویژه در علوم انسانی و اجتماعی، است که به بررسی، تحلیل و خلاصه‌سازی اطلاعات و یافته‌های موجود در زمینه‌ای خاص می‌پردازد (بوستو و همکاران، ۲۰۲۰). این نوع پژوهش بر اساس هدف، معمولاً به منظور ارائه تصویری جامع از موضوع پژوهش، شناسایی خلأهای موجود در دانش، و فراهم آوردن پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده انجام می‌شود (کلارک و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش مروری، بر اساس ماهیت، اغلب به صورت توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود (کیوی و همکاران، ۲۰۲۳). در این نوع پژوهش، محقق به توصیف مطالعات و یافته‌های پیشین می‌پردازد و سپس این اطلاعات را تحلیل می‌کند تا به نتایج کلی و معناداری دست یابد (کیونیچ و همکاران، ۲۰۲۳). این تحلیل می‌تواند شامل مقایسه، نقد و ارزیابی مطالعات مختلف باشد تا تصویری واضح‌تر از موضوع مورد بررسی ارائه دهد (موگالوکه، ۲۰۰۶). روش پژوهش مروری به صورت پژوهش اسنادی انجام می‌گیرد که در آن محقق با بررسی و مطالعه اسناد مختلف، اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌کند (هندرن و همکاران، ۲۰۲۳). اسناد مورد استفاده در این روش می‌توانند شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌های تحقیقاتی، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع معتبر باشند (مارتین و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش اسنادی یکی از پایه‌های اصلی در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی است، زیرا به محقق این امکان را می‌دهد که با استفاده از منابع موجود، بدون نیاز به انجام مطالعات میدانی یا تجربی، به تحلیل و تفسیر موضوعات پیچیده بپردازد (اهمد، ۲۰۱۰). در پژوهش‌های مروری، دقت و صحت اطلاعات جمع‌آوری شده بسیار حائز اهمیت است. محقق باید از منابع معتبر و به‌روز استفاده کند و با دقت به تحلیل و تفسیر اطلاعات بپردازد تا نتایج پژوهش از اعتبار و اعتمادپذیری بالایی برخوردار باشند (سورنین و جورج، ۲۰۲۳). به طور کلی، پژوهش مروری نه تنها به غنای دانش موجود کمک می‌کند، بلکه با شناسایی و تحلیل نقاط ضعف و قوت مطالعات پیشین، مسیرهای جدیدی برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌دهد (مکولچ، ۲۰۰۴).

پژوهش مروری به طور خاص بر تحلیل جامع موضوع تأکید دارد و اغلب به شناسایی مسیرهای جدید پژوهشی کمک می‌کند (کوئر، ۲۰۲۳). با مرور مطالعات پیشین، محقق می‌تواند شکاف‌های پژوهشی موجود را مشخص و اولویت‌هایی برای تحقیقات آینده ارائه کند (سوتریسینو و همکاران، ۲۰۲۳). این ویژگی به پژوهش مروری ارزش افزوده‌ای می‌بخشد، زیرا علاوه بر تجمیع دانش موجود، به توسعه آن نیز یاری می‌رساند. روش مروری، در کنار کارکردهای تحلیلی خود، به سازماندهی دانش پراکنده کمک می‌کند (سودیرجو و همکاران، ۲۰۲۳). با تحلیل و تجمیع یافته‌های مختلف، محقق می‌تواند تصویری جامع از وضعیت موضوع در ابعاد زمانی و مکانی مختلف ارائه دهد (خان و همکاران، ۲۰۲۱). این دیدگاه منسجم، ارزش زیادی برای تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاری یا توسعه دانش علمی دارد. در نهایت، پژوهش مروری به غنای دانش موجود کمک کرده و با ارائه چشم‌اندازی وسیع‌تر، امکان تحلیل دقیق‌تر موضوع را فراهم می‌کند (راسل و همکاران، ۲۰۲۰). این روش، با ترکیب اطلاعات موجود و تحلیل آن‌ها، نه تنها موجب انسجام بخشی به دانش می‌شود، بلکه مسیرهایی نوین برای تحقیقات آینده مشخص می‌سازد (توماس و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، پژوهش حاضر نیز با بهره‌گیری از این روش تلاش دارد تا درک جامعی از سیاست‌های پولی جهانی ارائه دهد و راهکارهایی برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد کند (جونز، ۲۰۲۲).

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش بر اساس بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌های کشور، نشان‌دهنده اهمیت این نوع مالیات به عنوان ابزاری مهم در تأمین منابع مالی برای نهادهای محلی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده، به‌ویژه در مناطق روستایی و در سطح دهیاری‌ها، می‌تواند نقش مهمی در تقویت منابع مالی محلی ایفا کند. از آنجا که این مالیات

به‌طور غیرمستقیم از مصرف کالاها و خدمات اخذ می‌شود، این قابلیت را دارد که به‌طور مستمر و پایدار، درآمدهای مالی دهیاری‌ها را تأمین کند و از این طریق، بهبود کیفیت خدمات عمومی در روستاها را ممکن سازد. این پژوهش تأکید دارد که مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌عنوان یک منبع پایدار درآمدی برای دهیاری‌ها شناخته شود. با توجه به ویژگی‌های این نوع مالیات که به‌طور مستقیم به سطح مصرف در جوامع روستایی ارتباط دارد، می‌تواند به تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی، خدمات عمومی، بهبود شرایط معیشتی مردم و ارتقای سطح رفاه اجتماعی کمک کند. بنابراین، بهبود فرآیند جمع‌آوری و تخصیص صحیح این منابع مالی، می‌تواند به نهادهای محلی قدرت بیشتری برای انجام وظایف خود بدهد.

یکی از نکات کلیدی این پژوهش، چالش‌های اجرایی مالیات بر ارزش افزوده در دهیاری‌ها است. بسیاری از دهیاری‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی و منابع انسانی متخصص، با مشکلاتی در جمع‌آوری و تخصیص صحیح درآمدهای مالیاتی مواجه هستند. این امر می‌تواند موجب کاهش کارایی سیستم مالیاتی و اثرات منفی در فرآیند تأمین مالی دهیاری‌ها شود. بنابراین، بهبود زیرساخت‌ها و ارتقای مهارت‌های مالی در دهیاری‌ها از جمله نیازهای ضروری برای استفاده بهینه از منابع مالی حاصل از مالیات بر ارزش افزوده است. پژوهش نشان می‌دهد که معافیت‌های مالیاتی و تخفیف‌های مختلف می‌توانند تأثیرات قابل‌توجهی بر درآمدهای دهیاری‌ها داشته باشند. در حالی که معافیت‌ها برای کالاهای اساسی و ضروری می‌تواند به کاهش بار مالی برای اقشار کم‌درآمد کمک کند، در عین حال این معافیت‌ها می‌تواند منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی دهیاری‌ها شود. به‌ویژه در شرایطی که دهیاری‌ها به منابع درآمدی بیشتری نیاز دارند، باید به دقت سیاست‌های مالیاتی و معافیت‌ها بازنگری شود تا تعادلی میان حمایت از مصرف‌کنندگان و تأمین مالی دهیاری‌ها برقرار گردد.

نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد شفافیت مالی در دهیاری‌ها عمل کند. از آنجا که این مالیات در هر مرحله از تولید و توزیع کالاها و خدمات جمع‌آوری می‌شود، سیستم‌های مالیاتی شفاف و پیشرفته می‌توانند به نظارت دقیق‌تر بر جریان‌های مالی دهیاری‌ها کمک کنند. این امر موجب می‌شود تا امکان جلوگیری از فساد و سوءاستفاده‌های مالی در سطح محلی فراهم آید و منابع مالی به‌طور مؤثر و بهینه تخصیص یابد. در این راستا، استفاده از فناوری‌های نوین و سیستم‌های مالیاتی پیشرفته می‌تواند به دهیاری‌ها در جمع‌آوری مالیات بر ارزش افزوده و تخصیص صحیح منابع کمک کند. به‌ویژه در مناطقی که دهیاری‌ها با کمبود منابع انسانی و زیرساخت‌های مالی مواجه هستند، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید می‌تواند به بهبود فرآیندهای اجرایی و افزایش کارایی سیستم مالیاتی کمک کند. این اقدام می‌تواند در نهایت به تقویت منابع مالی دهیاری‌ها و ارتقای کیفیت خدمات عمومی در روستاها منجر شود. تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر دهیاری‌ها تنها از جنبه اقتصادی نیست، بلکه از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی نیز قابل‌توجه است. درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند موجب افزایش رضایتمندی عمومی از خدمات دهیاری‌ها و تقویت اعتماد مردم به نهادهای محلی و دولتی شود. این اعتماد می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی در پروژه‌های توسعه‌ای و بهبود وضعیت اقتصادی روستاها منجر گردد.

تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌ها به‌عنوان یک ابزار مؤثر در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و خدمات عمومی در روستاها تلقی می‌شود. به‌ویژه در شرایطی که منابع مالی دولتی محدود است، این نوع مالیات می‌تواند به‌عنوان منبعی مهم برای تأمین نیازهای مالی دهیاری‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه، سیاست‌گذاران باید به‌طور جدی به توسعه سیستم‌های مالیاتی کارآمد در سطح دهیاری‌ها و بهبود شیوه‌های جمع‌آوری مالیات توجه کنند. برای بهینه‌سازی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نظام درآمدی دهیاری‌ها، نیاز به توسعه زیرساخت‌های مالیاتی و آموزشی در سطح محلی وجود دارد. افزایش آگاهی در میان مسئولان دهیاری‌ها و بهبود توانمندی‌های آن‌ها در زمینه مدیریت مالی می‌تواند تأثیرات مثبت این نوع مالیات را به حداکثر برساند. علاوه بر این، حمایت‌های دولتی و مشوق‌های مالیاتی می‌تواند به تقویت نظام درآمدی دهیاری‌ها و افزایش ظرفیت آن‌ها برای ارائه خدمات بهتر به روستائیان کمک کند. این پژوهش تأکید دارد که با بهبود فرآیندهای اجرایی و نظارتی در حوزه

مالیات بر ارزش افزوده، دهیاری‌ها می‌توانند از این منبع مالی پایدار به‌طور مؤثری بهره‌برداری کرده و به ارتقای کیفیت زندگی روستائیان و توسعه پایدار در مناطق روستایی کمک کنند. به این ترتیب، مالیات بر ارزش افزوده نه تنها به عنوان یک ابزار تأمین مالی، بلکه به عنوان یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها شناخته می‌شود.

منابع

۱. رضایی یزدی، کیانوش. (۱۳۹۴). نظام حقوقی مالیات بر ارزش افزوده. همایش سیاست های مالی و مالیاتی ایران. SID. <https://sid.ir/paper/893486/fa>
۲. ضیایی بیگدلی، محمدتقی، و کشتاررجبی، هانیه. (۱۳۹۲). شناسایی موانع موثر در اجرای بهینه نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران (بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده). خط مشی گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۱۲-۱۱، ۱-۱۵. <https://sid.ir/paper/199021/fa>
۳. قراقیه، صمد، غلامی جمکرانی، رضا، و تقی پوریان گیلانی، یوسف. (۱۳۹۷). چالش های استرداد مالیات در نظام مالیات بر ارزش افزوده. پژوهشنامه مالیات، ۲۶(۳۹) (مسلسل ۸۷)، ۱۰۷-۱۳۷. <https://sid.ir/paper/377693/fa>
۴. محمدنوربخش لنگرودی، محسن، و جوادی نیک گو، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی موانع استقرار کامل نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران. پژوهشنامه مالیات، دوره جدید - ۱۷(۶) (مسلسل ۵۴)، ۱۱۵-۱۳۸. <https://sid.ir/paper/89690/fa>
۵. موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی بلداجی، فرهاد، و خاکی، نرگس. (۱۳۸۸). فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری. پژوهشنامه مالیات، دوره جدید - ۱۷(۵) (مسلسل ۵۳)، ۲۷-۳۸. <https://sid.ir/paper/89684/fa>
6. Ahmed, J. U. (2010). Documentary research method: New dimensions. *Indus Journal of Management & Social Sciences*, 4(1), 1-14.
7. Brockmeyer, A., Mascagni, G., Nair, V., Waseem, M., & Almunia, M. (2024). Does the Value-Added Tax Add Value? Lessons Using Administrative Data from a Diverse Set of Countries. *Journal of Economic Perspectives*, 38(1), 107-132.
8. Busetto, L., Wick, W., & Gumbinger, C. (2020). How to use and assess qualitative research methods. *Neurological Research and practice*, 2(1), 14.
9. Clark, T., Foster, L., Bryman, A., & Sloan, L. (2021). *Bryman's social research methods*. Oxford university press.
10. Cronin, M. A., & George, E. (2023). The why and how of the integrative review. *Organizational Research Methods*, 26(1), 168-192.
11. Cui, J., Wang, Z., Ho, S. B., & Cambria, E. (2023). Survey on sentiment analysis: evolution of research methods and topics. *Artificial Intelligence Review*, 56(8), 8469-8510.
12. Gale, W. G. (2020). Raising revenue with a progressive value-added tax. Tackling the Tax Code: Efficient and Equitable Ways to Raise Revenue. Emily Moss, Ryan Nunn, and Jay Shambaugh eds. The Hamilton Project.
13. Hendren, K., Newcomer, K., Pandey, S. K., Smith, M., & Sumner, N. (2023). How qualitative research methods can be leveraged to strengthen mixed methods research in public policy and public administration?. *Public Administration Review*, 83(3), 468-485.
14. Jones, I. (2022). *Research methods for sports studies*. Routledge.

15. Khan, S. A. R., Yu, Z., Golpira, H., Sharif, A., & Mardani, A. (2021). A state-of-the-art review and meta-analysis on sustainable supply chain management: Future research directions. *Journal of Cleaner Production*, 278, 123357.
16. Kotur, A. S. (2023). A bibliometric review of research in wine tourism experiences: insights and future research directions. *International Journal of Wine Business Research*, 35(2), 278-297.
17. Kunisch, S., Denyer, D., Bartunek, J. M., Menz, M., & Cardinal, L. B. (2023). Review research as scientific inquiry. *Organizational Research Methods*, 26(1), 3-45.
18. Kunwar, K. B. (2023). Impact of value-added tax on revenue generation in Nepal: An ARDL approach. *Journal of Tikapur Multiple Campus*, 1-14.
19. Martin, F., Bacak, J., Polly, D., & Dymes, L. (2023). A systematic review of research on K12 online teaching and learning: Comparison of research from two decades 2000 to 2019. *Journal of Research on Technology in Education*, 55(2), 190-209.
20. McCulloch, G. (2004). *Documentary research: In education, history and the social sciences*. Routledge.
21. Mgammal, M. H., Al-Matari, E. M., & Alruwaili, T. F. (2023). Value-added-tax rate increases: A comparative study using difference-in-difference with an ARIMA modeling approach. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-17.
22. Mogalakwe, M. (2006). The use of documentary research methods in social research. *African Sociological Review/Revue Africaine De Sociologie*, 10(1), 221-230.
23. Mu, R., Fentaw, N. M., & Zhang, L. (2022). The impacts of value-added tax audit on tax revenue performance: the mediating role of electronics tax system, evidence from the Amhara region, Ethiopia. *Sustainability*, 14(10), 6105.
24. Oebel, B., Stein, L., Michalke, A., Stoll-Kleemann, S., & Gaugler, T. (2024). Towards true prices in food retailing: the value added tax as an instrument transforming agri-food systems. *Sustainability Science*, 1-18.
25. Permadi, D. G., & Wijaya, S. (2022). Analysis of determinants of value added tax revenue in Asia. *JPPI (Jurnal Penelitian Pendidikan Indonesia)*, 8(3), 622-631.
26. Russell, G., Leland, S., Mohr, Z., & O'Sullivan, E. (2020). *Research methods for public administrators*. Routledge.
27. Sudirjo, F., Ratnawati, R., Hadiyati, R., Sutaguna, I. N. T., & Yusuf, M. (2023). The Influence of Online Customer Reviews and e-Service Quality on Buying Decisions In Electronic Commerce. *Journal of Management and Creative Business*, 1(2), 156-181.
28. Sutrisno, S., Ausat, A. M. A., Permana, B., & Harahap, M. A. K. (2023). Do Information Technology and Human Resources Create Business Performance: A Review. *International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev.*, 8(8), 14.
29. Thomas, J. R., Martin, P., Etnier, J. L., & Silverman, S. J. (2022). *Research methods in physical activity*. Human kinetics.